



کارگران جهان متحد شوید !

شهریور ماه ۱۴۰۰ // شماره ۵ - ۱۹۶

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست



کار ، مسکن ، آزادی

بیانیه شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی یاد و خاطره همه آنتهائی را که در راه آزادی و سعادت انسان ها جان فدا کردند، گرامی میداریم ، به خانواده ها و بازماندگان آنها درود میفرستیم و مبارزه برای تحقق خواست ها و اهداف انسانی آنها را وظیفه خود میدانیم .



اطلاعیه بمناسبت سی و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی

۲۶ درصد افزایش حقوق ۶۲ درصد تورم

صمد بهرنگی ستاره درخشان ادبیات متعهد کودکان

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در مورد بمباران محل استقرار نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق و
مردم منطقه توسط رژیم جمهوری اسلامی

استراتژی و تاکتیک، استراتژی و تاکتیک کمونیست های ایران

یک جوان کمونیست چگونه باید باشد؟

برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم
جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراهای
یک جبهه انقلابی، متحد شویم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

بیانیه شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱



پولدارها و افراد متمکن هستند که در سیستم آموزشی کنونی ایران قادر به ادامه تحصیل و صعود به مدارج بالاتر میباشند. سعید نمکی وزیر بهداشت در اجلاس مجازی روسای دانشگاه ها معترف میشود که "شرایط همانند زمانیان ساسانیان است که فقط افرادی میتوانند درس بخوانند که جزء متمدن کشور هستند" امروز با سیاست خصوصی سازی و پولی کردن مراکز آموزشی در حقیقت آموزش و پرورش و تحصیل طبقاتی تر شده است و هزار و یک مانع برای ورود فرزندان زحمتکشان و اقشار محروم به مدارس عالی بوجود آمده است که یکی از آنها شهریه های سنگین برای مدارس است که از حداقل استانداردهای آموزشی برخوردارند مدارس مختلفی نظیر مدارس "نمونه"، هیئت امنائی، مدارس شاهد، مدارس غیرانتفاعی، مدارس تیزهوشان" و امثالهم که از دو میلیون تا چهار میلیون شهریه میگیرند که بامخارج کلاس های آمادگی از صد میلیون هم فراتر میروند.

ادعای اینکه نظام آموزشی ایران رایگان است یک دروغ آشکار در مقابل چشمان توده

پیشگیری از این پاندومی و وعده وعیدهای توخالی، باعث بیماری میلیونها نفر و جانباختن ده ها هزار نفر عمدتا از اقشار زحمتکش و محروم جامعه گردید و برگ دیگری بر تاریخ جنایت بار رژیم حاکم افزود.

سال تحصیلی امسال را در شرایطی آغاز می کنیم که پاندومی کرونا مهار نشده است و بعد از ماه ها تاخیر و وعده های سرخرمن هنوز بخش زیادی از جمعیت واکسینه نشده اند و دولت کماکان برنامه آموزش آنلاین را در دستور دارد و این در حالی است که طبق گفته معاون وزیر آموزش و پرورش نزدیک به دو میلیون دانش آموز فاقد تابلت و امکانات لازم برای شرکت در کلاسهای آموزشی هستند.

سال گذشته نیز نزدیک به چهار میلیون دانش آموز بدلیل ناتوانی مالی در تهیه امکانات اولیه نتوانستند در کلاس های آنلاین شرکت بکنند.

علاوه بر همه این مشکلات و موانع سر راه توده های محروم و زحمتکش جامعه باید گفت که با توجه به پولی شدن مدارس و دانشگاه ها در واقع این فقط فرزندان

دانش آموزان، دانشجویان، آموزگاران و استادان دانشگاه ها

سال تحصیلی جدید فرا رسیده است و میلیون ها نفر از جوانان و نوجوانان کشور با امید به کسب علم و دانش در انتظار ورود به مدارس و دانشگاه ها هستند. سال گذشته سالی سخت و مشقت بار برای دانشجویان، دانش آموزان و خانواده های زحمتکش و اقشار محروم کشور بود. سال گذشته بدلیل شیوع پاندومی کرونا و تعطیلی مدارس و دانشگاه ها تورم و گرانی افسار گسیخته مایحتاج عمومی و اولیه از یکسو و شیوع گسترده ویروس کرونا و میلیون ها شاغلی که به ارتش عظیم میلیونی بیکاران پیوستند مشکلات عدیده ای را برای خانواده های توده زحمتکش مردم و نیز برای جوانان ببار آورد. میلیون ها دانش آموز بدلیل نداشتن امکانات مالی و ناتوانی در تهیه ملزومات شرکت در کلاس های آنلاین از تحصیل باز ماندند، شیوع گسترده ویروس کرونا و بی مسئولیتی رژیم تاحد اعلام ممنوعیت ورود واکسن

بیانیه شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت آغاز سال تحصیلی

معلمان در شهرهای مختلف کشور هستیم که حقوق های دریافتی کفاف زندگی آنها را نمی دهد و این معلمان پیشرو و آگاه علاوه بر تاکید بر مطالبات خود، خواهان دگرگونی های بنیادی در سیستم آموزش و پرورش هستند، آنها به پولی سازی مدارس، تبعیض و تفتیش عقاید و محتوای ارتجاعی کتاب های درسی اعتراض دارند از طرفی شاهد گسترش اعتصابات کارگران بازنشستگان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه هستیم دانشجویان و دانش آموزان نیز جزئی از پیکره جنبش های اجتماعی هستند و وظیفه دارند از اعتراضات و تجمعات معلمان و استادان خود حمایت کنند و همچون گذشته و به سهم خود در ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیابی این جنبش ها یاری رسانند و زمینه اتحاد آنها را در یک جبهه انقلابی برای سرنگونی نظام حاکم و تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه فراهم نمایند.

زنده باد اتحاد و همبستگی همه جوانان، دانش آموزان و دانشجویان، کارگران و زحمتکشان سراسر کشور

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم**

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
اول مهرماه ۱۴۰۰

نوجوانان و جوانان از ادامه تحصیل فقر خانواده ها است که این نوجوانان بجای نشستن روی نیمکت مدرسه، روانه بازار کار میشوند. بگفته کارشناسان، در مناطق دو زبانه مثل کردستان و آذربایجان، بیشترین افت تحصیلی و ترک تحصیل در دوره ابتدایی است. به دلیل اینکه کودکان فرصت حضور در دوره آمادگی پیش از دبستان را ندارند و مفهوم سازی و یادگیری زبان فارسی نیز برای آنها دشوار است. علاوه بر همه اینها قوانین ارتجاعی مذهبی و سنت های زن ستیزانه در کنار تیغ سرکوب، همچنان سایه شوم خود را بر سر مدارس و دانشگاه ها گسترانیده است. آنها شبانه روز در تلاش اند تا جهل و خرافه پرستی را به زور سرریزه و سرکوب و با توسل به انواع و اقسام وسائل تبلیغی و ترویجی در مغز جوانان فروکنند. با برپا کردن تفتیش عقاید و جو ترور و خفقان، راه شکوفائی استعداد ها و رشد و تکامل جوانان را سد میکنند. بر زنان و دختران تبعیض مضاعف اعمال میگردد. حجاب اجباری، جدا کردن آنها از پسران و تحمیل مقرراتی سنگین از جمله مظاهر تبعیض و سرکوب زنان در جمهوری اسلامی است که یکی از موانع عمده شادی و نشاط و رشد و شکوفائی دختران دانش آموز و دانشجو محسوب میشود.

دانش آموزان و دانشجویان

همزمان با بازگشائی مدارس و دانشگاه ها شاهد اعتصابات و اعتراضات و تجمعات

زحمتکش ایران است، جز بخش کوچکی از مدارس دولتی مابقی نظام آموزشی از طریق اخذ شهریه های کلان اداره می شوند و آنهایی که در مدارس دولتی تحصیل میکنند امکان ورود به رشته های برتر دانشگاهی را ندارند و نتایج کنکور سال های اخیر نشان میدهد که سهم دانش آموزان این مدارس برای ورود به رتبه های بالاتر نزدیک به صفر است. هزینه بالای این مدارس و کلاس های گران قیمت کنکری نشان میدهد که راه یابی فرزندان طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه که توانائی پرداخت هزینه های کلان کلاس های پیش دانشگاهی و مدارس با استانداردهای لازم را ندارند اگر محال نباشد بسیار مشکل است.

نوجوانانی که از تحصیل باز می مانند

در ایران جمهوری اسلامی زده نه تنها فرزندان اقشار محروم شانس تحصیل در رشته های مهم دانشگاهی را ندارند بلکه هر ساله میلیون ها جوان و نوجوان به دلیل فقر اقتصادی از ورود به مدارس باز می مانند و یا بیش از چند سال نمی توانند به تحصیلات خود ادامه دهند و مجبورند در نیمه راه تحصیل را رها کرده و برای یافتن قوت لایموتی به هر کار مشقت بار و سنگینی تن در دهند. طبق آمار موسسات دولتی همزمان با بازگشایی مدارس در ایران چند میلیون کودک به دلایل متعدد از تحصیل بازمانده اند. یکی از دلایل باز ماندن این

در قانون اساسی جمهوری فدراتیو شورایی ایران. بمنظور تامین و تضمین ارتقای سطح دانش کارگران و زحمتکشان. دانش آموزان و دانشجویان و جوانان مالکیت خصوصی و روابط و مناسبات ناشی از آن از سیستم آموزش و پرورش برچیده می شوند و با دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و فنی در زمینه آموزش و پرورش. امکانات تحصیلات رایگان و همه جانبه برای کلیه شهروندان تضمین می شود.

۲۶ درصد افزایش حقوق ۶۲ درصد تورم

در پراکندگی تفرق بصری برند مسلمانان سرمایه داران تا حدی که می توانند از آنها کارخواهند کشید و به انواع حیل از جمله فریب و سرکوب و ایجاد تفرقه و دو دستگی از افزایش واقعی دستمزد ها و دیگر مطالبات کارگران سرباز خواند زد. چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

خوشبختانه درسال های اخیر کارگران ایران در نتیجه تداوم مبارزات خود و درس آموزی از تجربیات جنبش کارگری در جهان قدم در مسیری گذاشته اند که چشم انداز نوینی را در افق مبارزات طبقه کارگر ایران گشوده است وظیفه کارگران پیشرو و کمونیست است که با ایجاد هسته های سرخ و کمیته های کارخانه و محلات به یاری آنها بشتابند.

خواران و اختلاسگران و زندگی لاکچری آنها هستیم و از طرف دیگر شاهد تشدید استثمار و فقر و فلاکت دامنگیر طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه هستیم که در واقع تولید کنندگان اصلی نعم مادی هستند. البته در هیچ کجای تاریخ سرمایه داری نمیتوان یافت که طبقه سرمایه دار دل اش به حال کارگر بسوزد و از حس و ولع سود اندوزی به هر قیمت دست بردارد. این خود کارگران هستند که باید با اتکا به نیروی متحد خود و با تداوم مبارزه در مقابل سرمایه داران و تعرضات روزمره آنها به حقوق و معیشت خود بایستند. تا زمانیکه کارگران به آگاهی طبقاتی دست نیافته باشند و ملزومات مبارزه علیه طبقه سرمایه دار و قدرت سیاسی آنها فراهم نکرده باشند و تا زمانیکه

طبق آمار منتشره توسط مرکز آمار ایران سطح تورم نقطه ای مواد غذایی و آشامیدنی در ماه شهریور به ۶۱.۶ درصد رسیده است.

یعنی مخارج میانگین خانواده ها ۶۱ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. بگذریم از اینکه رقم آمارهای رسمی معمولاً بسیار پائین تر از ارقام واقعی است.

این بدین معنا است که اگرچه آخر سال گذشته ۲۶ درصد به حقوق پایه کارگران اضافه شده است اما در عمل بخاطر تورم روزانه ۳۹ درصد قدرت خرید کارگران کاهش یافته و در نتیجه سرمایه داران و دولت در ابتدای سال از یک دست منت سرکارگر گذاشته اند و ۲۶ درصد به حقوق او افزوده اند اما با دست دیگر دو برابر آنها از جیب کارگر پس گرفته اند. بی جهت نیست که هر روزه از یک طرف شاهد درآمدهای میلیاردی سرمایه داران، رانت

برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی برشوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم.

بمناسبت سی و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی

عاملین آن بودیم و بر این واقعیت تاکید کردیم که رسیدن به این خواست ها و نیز محاکمه آمرین و عاملین این جنایت هولناک با مبارزه ای متحد و سازمانیافته و پیگیر همه خانواده ها و نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان و سرانجام سرنگونی انقلابی رژیم حاکم و بدست گرفتن قدرت توسط توده های زحمتکش مردم ممکن خواهد بود.

شهریور امسال فرصت دیگری است تا یاد زندانیان جانباخته درکشتار ۶۷ و همه انقلابیون وانسان های آزاده ای را که خشم فروخته توده های زنجیده مردم بر علیه کلیت رژیم طبیقه حاکم را فریاد زدند و جان و زندگی خویش را در راه تحقق آرمان های

امپریالیستی بر اریکه قدرت سوار شد در جریان جنگ ایران و عراق و در تداوم این جنگ با بازسازی ارگانهای سرکوب و با مستمسک قرار دادن جنگ به سرکوبگری خود ادامه داد و اما با پایان جنگ هشت ساله در هراس از اوج گیری مجدد جنبش های اجتماعی فرمان کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی را صادر نمود.

در این قتل عام وحشیانه هزاران انسان آزادیخواه و سوسیالیست جان خود را از دست دادند اما مقاومت حماسی آنها در پای چوبه های دار و تیرباران و حقانیت مبارزه آنها علیه دیو ارتجاع و استبداد سرمایه داری که اینک بیش از چهل سال است که به زور سرنیزه بر



سی و سه سال از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ سپری میشود. مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ بفرمان جلاد جماران هزاران زندانی سیاسی که اغلب آنها دوران محکومیت شان به پایان رسیده بود و یا در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند توسط هیئت مرگ منتخب خمینی قتل عام شدند.

امسال در شرایطی یاد این جان باختگان را گرامی میداریم که به همت بازماندگان، احزاب و سازمانهای انقلابی و انسانیهای آزادیخواه جنبش دادخواهی کشتارهای دهه شصت بویژه قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ و نیز چهل سال سرکوب و کشتار ابعادی توده ای و جهانی یافته است و بعنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شده است و نیز سالگرد کشتار زندانیان سیاسی امسال مصادف است با برگزاری دادگاه یکی از عاملین این کشتار در کشور سوئد که به همت جان بدر بردگان و خانواده های جانباختگان دستگیر و به جرم جنایت علیه بشریت به پای میز محاکمه کشانده شده است و همچنین درسی و سومین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی یکی از مجریان اصلی این جنایت های فجیع بنام ابراهیم رئیسی به ریاست جمهوری جهل و جنایت اسلامی منصوب شده است.

انسانی خود فدا نمودند، گرامی بداریم و با یاری رساندن به تشکل و حزب و متحد شدن جنبش های اجتماعی کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان، دانشجویان، خلق های تحت ستم و استثمار حول جبهه ای انقلابی برای سرنگونی نظام حاکم راه پیروزی بر نظام ستم و سرکوب را هموار سازیم.

گرامی باد یاد و خاطره جانباختگان اعدامهای ۶۷ و تمامی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران زنده باد سوسیالیسم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست شهریور ۱۴۰۰

مقدرات مردم حکم میراند، روشنائی بخش راه مبارزین نسل جوان و نسل های آینده است. کشتار زندانیان سیاسی و سرکوب سازمانهای انقلابی لطمه بزرگی به جنبش های اجتماعی ایران وارد نمود تا جائیکه امروز با وجود بیداری توده های زحمتکش و گسترش ابعاد اعتصابات، اعتراضات و خیزشهای توده ای در جهت سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، فقدان حضور رزمنده احزاب و سازمانهای انقلابی و تشکل های توده ای کاملاً محسوس است.

انسانهای آزادیخواه و مبارز، خانواده ها و بستگان جانباختگان

ما همچون سایر نیروهای انقلابی و کمونیست در این فاجعه صدها رفیق رزمنده و رهبران با تجربه و آگاه خود را از دست دادیم و طی سال های گذشته به همراه خانواده های داغدیده و سایر نیروهای انقلابی و آزادیخواه، خواهان روشن شدن ابعاد این فاجعه، از جمله شمار واقعی اعدام شدگان، محل دفن، وصیتنامه و نیز محاکمه و مجازات آمرین و

باقی اعضای هیئت مرگ که دستانشان تا مرفق به خون زنان و مردان آزادیخواه آغشته است ارتقاء مقام یافته و هر کدام در راس یکی از قوا جاخوش کرده اند و از جنایاتی که مرتکب شده اند وقیحانه دفاع میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی که با سرکوب نیروهای انقلابی و جنبش های اجتماعی منجر به قیام ۵۷ به کمک و یاری دول

صمد بهرنگی ستار درخشان ادبیات متعهد کودکان



که قادر است دنیایی بنیان کنند که بزرگسالان برای آن تلاش کرده ولی برای ایجادش شکست خورده اند و نه با امید به تغییری از بالا، بلکه با ایمان به آرمان های زیبا و شدنی خود این کودکان. این ادبیات در خدمت ایجاد یک رابطه قابل درک بین زشت و زیبایی های این دنیا با دنیای پر تخیل و اسرارآمیز کودکان است. دنیای که در آن کبوترهای حرف میزنند و کرم شب تاب هایش مهربانند.

در این دنیای مرموز است که الدوزها و یاشارهای دنیای واقعی و اندوهبار، به دنیای پر نشاط عروسک هایی میروند که از همدردی و صداقت سرشارند و نه از دار قالی و زخم انگشت خبری است و نه از درد تحقیر و تلخی زن باباهای بدجنس. دنیای تخیلات رنگارنگ کودکان هر تلخی و زشتی ای را به حکم اعجاز قوه تخیل دگرگون میکند. الدوزها و یاشارهای قصه های واقعی در می یابند که دنیایی دیگر ممکن است و همچون ماهی های سیاه کوچولو به تکاپوی دریای آرزوها و آرمان های زیبا، حاضرند با هر سیاهی و پلیدی ای که در راه کمین کرده اند، بجنگند. ادبیات متعهد، به بالندگی و پویایی کودکان بال پروازی میدهد که بتواند بسوی آرمان دنیایی بهتر و برابر، و زیبا در پهنه آسمان تخیلشان سفر کنند.

بزرگسالان همخوانی ندارد. در دنیای کودکان، صفات و ویژگی های انسانگونه حیوانات و طبیعت، رابطه مستقیمی با قدرت تخیل و اراده خود کودکان دارد.

ادبیات متعهد دنیای اطراف کودک را به نقد می کشد و به چرایی های آنچه که نباید باشد و آنچه که میتواند بجای آن بنشینند، پاسخ میدهد. این نقد و پاسخ ها در ظرفیت تخیل کودکان و در قالب کارکترهای دنیای آنان نقش می گیرند. کودکان در دنیای نابرابری زندگی می کنند که این نابرابری ها مانع عمده ای در تعامل تام و تمام آنها با محیط اطرافشان شده و ظرفیتهای پتانسیل آنان را علیل می کند. دنیای تخیل، راه گریزی از این زشتیها و سیاهی های دنیای واقعی نیست بلکه اعجاز تخیل برای تلاش در یافتن دنیایی شاد و فردایی روشن و امیدبخش است.

ادبیات کودکان همچون ادبیات بزرگسالان سمت و سو دارد و به کودکان بعنوان مخاطبینی پاسیو نگاه نمی کند که دنیا را قرار است همانطور بپذیرند که برایشان نظامند گشته و آنکه قدرت و پول دارد آنرا آنگونه روایت بکند. دنیای زر و زور، و جنگ و فقر با سوپر هیروهایش نکبت دنیا را پاسخ میدهد و به کودکان میگوید که سخاوت فلان شاه و فلان ارباب است که امید به تحولی اندک را ممکن میکند و یا تنها قدرت عشق افسانه ای شاهزاده ای میتواند دختری را از دنیای تاریک و تیره اش به تلاوی قصرهای آرزوهایشان ببرد. بر عکس، ادبیات متعهد، به کودکان بمثابة یک پتانسیل عظیم می نگرد

جامعه طبقاتی با فقرش، با بیعدالتی اش، و با سرکوبش ناچاراً خود را شاخ به شاخ با ادبیاتی می بیند که در شکل کلی اش نظم موجود را زیر سوال میبرد و نابرابری اش را به چالش می کشد. این ادبیات که در ارتباط با واقعیات زندگی و معضلات آن قلم میزند خود را متعهد به گفتن حقایق و پاسخگویی به آن چرایی های تلخ و زشت موجود در جامعه می بیند و یا حداقل به افشاء این زشتی ها می پردازد.

یکی از ستاره های درخشان این سبک ادبیات صمد بهرنگی است که امسال پنجاه و سومین سالگرد اوست. کمتر کسی است که با نام او و همینطور اثرش شنایی نداشته باشد، سعی این نوع ادبیات است که متعهد میباید حقایق را بازگو کند و ذهن جستجوگر کودک را متوجه واقعیات اطرافش کند. ادبیات متعهد است که قادر به تغییر باورها و الگوهای ذهنی ای است که نظم موجود، سعی در ازلی داشتن آن دارد و ضرورت دگرگونی این مناسبات را غیر ممکن و نشدنی ترسیم میکند. یک نویسنده، روایتگر جهان پیرامونش است و خواننده این روایت، با روایتگر تواما در متحول کردن این جهان پیرامونش ایفای نقش می کند. اما وقتی که مخاطب این روایت، کودکان هستند، خلاقیت نویسنده در بیان این جهان، ظرفیتهای خاصی را طلب میکند که کودکان بتوانند با آن هم ذات-پنداری کنند. دنیای کودکان توأم با افسانه، اسرار، اعجاز و رویاهای خیال پردازانه است و الزاماً با قواعد و منطق عقلانی

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد بمباران محل استقرار نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق و مردم منطقه توسط رژیم جمهوری اسلامی

بامداد روز پنج شنبه ۱۸ شهریور ماه چند فرزند جنگنده نیروی هوایی رژیم جمهوری اسلامی محل استقرار تعدادی از احزاب کردستان ایران در مناطق مرزی اقلیم کردستان را مورد حمله قرار دادند. بنا بر گزارش ها، این حملات در حوالی ساعت ۶ بامداد با تجاوز چندین فرزند جنگنده و پهباد به حریم هوایی کردستان عراق شروع شد و به دنبال آن، ارتفاعات "هنگورد"، "بربزین" و "آلانه" نیز توسط آتش توپخانه های سپاه پاسداران مورد حمله قرار گرفت. تاکنون خبری از تلفات جانی این حملات نرسیده است اما گفته می شود این حملات خسارات مالی فراوانی به مردم ساکن این مناطق وارد کرده است. این حملات به دنبال تهدیدات محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران و فرمانده قرارگاه حمزه انجام گرفت.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی محل استقرار نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق و مردم منطقه را بمباران می کند. جمهوری اسلامی طی چند دهه اخیر از هیچ تلاشی برای سلب امنیت از مردم کردستان عراق، توپ باران و آتش باران مناطق مرزی، موشک باران مقرات احزاب اپوزیسیون و انجام اعمال تروریستی بر علیه نیروهای آنان کوتاهی نکرده است. طی این سالها صدها تن از کادرها و اعضای احزاب مخالف جمهوری اسلامی در کردستان عراق هدف اعمال تروریستی رژیم ایران قرار گرفته، جانباخته و یا زخمی شده اند و مزارع و باغات مردم زحمتکش این منطقه به آتش کشیده شده اند.

یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی از این اعمال تروریستی و مداخله گری های نظامی به انحراف کشاندن افکار عمومی از توجه به اوضاع فلاکت بار اقتصادی، ناامنی جانی و امواج خروشان اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی در داخل ایران است که از هر سو این رژیم جنایتکار را تحت فشار قرار داده است. هدف دیگر جمهوری اسلامی که در هماهنگی با دولت ترکیه آن را پیش می برد بی ثبات کردن اوضاع سیاسی کردستان عراق و گسترش شبکه های امنیتی و جاسوسی خود در این منطقه است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست این حملات نیروهای رژیم جمهوری اسلامی به محل استقرار احزاب و نیروهای سیاسی کردستان ایران و مردم منطقه در نوار مرزی را به شدت محکوم می کند و یقین دارد که این عملیات جنایتکارانه نه تنها نمی توانند مردم کردستان ایران را مرعوب نمایند، بلکه آتش خشم و انزجار عمومی از حکومت اسلامی را شعله ورتر خواهند کرد. در حالی که تهدیدات روزهای اخیر فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان عراق و نیروهای اپوزیسیون با سکوت هماهنگ و معنا دار حکومت اقلیم کردستان، دولت عراق و نیروهای آمریکائی مستقر در آنجا همراه بوده است، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از مردم آزاده کردستان عراق انتظار دارد که در مقابل اهداف ارتجاعی و ضد انسانی و تجاوز آشکار رژیم جمهوری اسلامی علیه امنیت خود دست روی دست نگذارند و به هر شکلی که می توانند علیه آن اعتراض کنند.

در چنین شرایطی تنها با حضور مردم در صحنه سیاسی جامعه و به میدان آمدن توده های مردم و حمایت و همبستگی بشریت ترقی خواه است که می توان به مداخله گری رژیم جمهوری اسلامی در این منطقه پایان داد و از به بازی گرفتن امنیت جانی و معیشت و سرنوشت مردم جلوگیری کرد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۹ سپتامبر ۲۰۲۱

۱۸ شهریور ۱۴۰۰

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

ShorayeHamkary@gmail.com

استراتژی و تاکتیک، استراتژی و تاکتیک کمونیست های ایران

به نقل از نشریه
"به پیش" شماره ۵ مرداد
ماه ۱۳۷۶

از برتری آشکاری برخوردار باشد و زمینه و امکان موفقیت استراتژی را فراهم نماید. لذا عملیات تاکتیکی و نتایج آنرا نباید تنها در اثرات زودگذر محاسبه کرد. باید دید که تاکتیک مفروض تا چه حدی در خدمت افزایش امکانات پیروزی استراتژی قرار دارد. نتیجه دیگر اینکه استراتژی با وجود اینکه با جریان عینی جنبش خودبخودی سازگار نیست و در جریان بوجود آمدن آن نقش مهمی بازی نمی کند، معهذاً نمی تواند شرایط عینی و روند تکاملی و فراز و نشیب آنها را به فراموشی بسپارد. از اینرو استراتژی می باید متکی بر برنامه ای باشد که با واقعیات جامعه و جنبش انطباق داشته باشد و از هر گونه ذهنی گرایی، الگوبرداری و دگماتیسم بدور باشد. چرا که استراتژی با مسأله آگاهی سر و کار دارد و معطوف به عمل هدایت شونده است و می تواند جنبش را به شکست و یا پیروزی هدایت کند.

در رابطه با مسأله آگاهی و نقش عنصر ذهنی در کارکرد عمومی استراتژی جنبش کارگری، آنچه که - بویژه در رابطه با نقد گذشته جنبش کمونیستی ایران - بسیار مهم و قابل تأکید است عبارت از نقشی است که در این عرصه عناصر روشنفکر و جنبش های با ترکیب عمدتاً روشنفکری بازی می کنند. پیوند استراتژی با جنبه ذهنی جنبش کارگری به افزایش نقش و وزن روشنفکران، طبقه متوسط در این جوامع میدان و زمنیه بازتری می دهد. آنها چه به دلیل موقعیت طبقاتی و چه به دلیل جدا بودن از مبارزه و زندگی واقعی توده های کارگر و زحمتکش

که از خود نشان داده باشند، لاجرم بدلیل فقدان نقشه معین و استراتژی و تاکتیک های مشخص با شکست و نابودی کامل مواجه خواهند بود. به همین خاطر تعیین نقشه دقیق و استراتژی معین و تاکتیک های درست در هر مبارزه ای یکی از ضروریات اولیه محسوب میشود.

اما وظیفه استراتژی چیست؟

وظیفه استراتژی در مبارزه عبارت از این است که تمام نیروهای جنبش در جهتی هدایت شوند که با وارد آوردن ضربه نهایی در آن جهت، بتواند اهداف برنامه ای خود را متحقق کند و نقشه استراتژی ناظر بر سازمان دادن کل ملزومات پیروزی این استراتژی است. تاکتیک جزئی از این ملزومات و حلقه واسط حال و آینده، عملیات کوچک و بزرگ، اهداف کوتاه مدت و بلند مدت بوده و کاملاً در خدمت استراتژی قرار میگیرد. اگر بناست استراتژی ای سرنگونی رژیم را ممکن سازد، تاکتیک وظیفه دارد تا نقشه عملیاتی مشخصی را که با شرایط مبارزه و وضعیت عینی انطباق دارد، تعیین کند. برای فتح قلعه دشمن، فلان سنگر، بهمان تپه و خاکریز را به تصرف در آورد. یک تبلیغات موفق، یک اعتصاب پیروزمند، یک تظاهرات خیابانی و... را سازمان دهد. از جمله راه ها، وسایل، اشکال و شیوه های مبارزه را (با محاسبه شرایط عینی و ذهنی، موقعیت نیروها و توازن قوا، تکامل اقتصادی، شرایط سیاسی، ملی، فرهنگی، قومی همه و همه آنچنان محاسبه کند که نسبت به نقشه و تاکتیک های دشمن

استراتژی و تاکتیک یکی از اصلی ترین مباحثات انقلابیون، بویژه انقلابیون کمونیست در سراسر دوران مبارزه بوده است. بدون تعیین استراتژی مبارزه و تاکتیک های رسیدن به آن، نمی توان از یک مبارزه انقلابی و هدفمند صحبتی به میان آورد. بطریق اولی نداشتن استراتژی معین و یا انحراف از تعیین جهت درست استراتژی و تاکتیک های مربوط به آن، می تواند تمام زحمات و جانفشانی های طبقات اجتماعی و احزاب و سازمان های پیشروی آنها را با شکست و بن بست مواجه سازد.

مبارزه یک حزب بدون استراتژی روشن و مشخص به این می ماند که سر صبح کسی از در خانه خارج شود بدون اینکه بداند به کجا و چگونه خواهد رفت. در نتیجه او در هر راه و نیمه راهی سرگردان و حیران خواهد ماند، چون هدفی واقعی و نقشه ای روشن پیش رو ندارد. در نتیجه از تاکتیک های درست هم خبری نخواهد بود و مسافر ما از تعیین راه و انتخاب وسیله هم عاجز خواهد شد، دور خودش خواهد چرخید. گاهی به عقب، گاهی به جلو، زمانی به راست و زمانی به چپ خواهد پیچید و دست آخر خسته و کوفته از حرکت خواهد ماند. یا دسته های سربازی که بدون طرح نقش های دقیق، بدون تعیین استراتژی و تاکتیک هایی که در جریان عملیات باید بکار بندند وارد میدان جنگ شده باشند. آنها به همه سو شلیک خواهند کرد، خود را خسته خواهند نمود، مهماتشان تمام خواهد شد و بدون اینکه سنگر معینی از دشمن را گرفته باشند در دام خواهند افتاد. سرانجام علی رغم هرچقدر تلاش و جانفشانی

برای شکوفایی جمهوری اسلامی»، «دفاع از خط ضدامپریالیستی و ترقی خواهانه» امام خمینی و... از کار در می آید و در دفاع از انواع جمهوری های رنگارنگ دموکراتیک، دموکراتیک ملی، دموکراتیک خلقی و... بقدری راه افراط پیموده میشود که اساسا تبلیغ و ترویج سوسیالیسم و آلترناتیو کارگری به فراموشی سپرده می شوند. یا وقتی امام خمینی «ضدامپریالیست» سفارتخانه سرکرده امپریالیست ها را میگیرد، پاک خلع سلاح می شوند و از کارگران می خواهند تا سنگرها را خالی کنند و از اقدامات رژیم جدید حمایت به عمل آورند. تاکتیک تظاهرات مسلحانه و جوخه های رزمی اتخاذ میشود صرفا به این دلیل که گویا انقلاب شکست نخورده است. توده بی در و پیکر «هوادر» که در شرایط علنی شکل گرفته اند به جنگ خیابانی می روند بدون سازماندهی و تدارکات و آموزش لازم، بدون متکی بودن این تاکتیک ها به تحلیل شرایط مشخص، توازن قوا، تدارکات و امکانات واقعی. در عقب نشینی نامنظم به کردستان، خرده کاری و دنباله روی از سیر حوادث ادامه می یابد و زمانی بخود می آیند که رژیم با طرح دقیق استراتژی و تاکتیک های خود استقرار کامل می یابد. در کردستان عراق نیز برنامه معینی مبتنی بر واقعیات جنبش در داخل کشور و وضعیت منطقه، شرایط عراق و اوضاع بین المللی تهیه نمی شود. انگار اردوگاه ها صدسال دیگر پا برجا خواهند بود. احزاب بزرگی دارای امکانات تدارکاتی و نیروی انسانی قابل توجه که هرروز طرح های زیادی را هم در رابطه با جنبش کارگری به بحث می گذاشتند، اما به دلیل نداشتن استراتژی و تاکتیک های عملی مبتنی بر واقعیات نتوانستند اندک پایگاهی در دل طبقه کارگر در داخل ایجاد کنند و فرصت چندین ساله صرف مباحثات اغلب بیهوده و سرگیجه آور روشنفرانه گردید. در عقب نشینی

تزلزلاتی که با «انتخاب» شدن خاتمی به ریاست جمهوری پدیدار شده است. این دوگانگی و گیج سری ها و نوسانات در عرصه های مهم تاکتیکی و دیگر زمینه های مبارزه هم خود را نشان میدهد. تصور کنید در شرایط قیام مسلحانه توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان جامعه در سال ۱۳۵۷ ایران، گروهی که خود را مارکسیست و پیشگام طبقه کارگر می دانند، بخاطر مطالبات صنفی در درون کارخانه ای به تحصن بنشینند. یا در شرایطی که مردم مسلح جلوی حرکت تانک های ارتش را می گیرند و آنها را با کوکتل مولوتف منفجر می کنند، سازمانی با انداختن نارنجکی در درون پاسگاهی مدعی می شود که دارای استراتژی و تاکتیک و نقشه معین دخالت در مبارزه طبقاتی بوده و برای به قدرت رسیدن طبقه معینی مبارزه میکند. شوراهای ترکمن صحرا توسط کارگران و زحمتکشان که بعد از قیامی مسلحانه تشکیل می شوند و در مقابل تهاجم رژیم جدید از دست آوردهای خود به دفاع برمی خیزند، اما رهبری جریانیکه خود را مدافع منافع این زحمتکشان می داند هاج و واج از هرگونه تصمیم گیری عاجز است. آنجا هم که تصمیم می گیرد، خود را در کنار حاکمیت سیاه ارتجاع مییابد. شوراهای کارخانجات و صنایع تشکیل می شوند، اما جریانات «پیشرو» فاقد استراتژی و تاکتیک های معین مبتنی بر منافع طبقه کارگر، قادر به ایفای نقش واقعی خود در تکامل و پیروزی آنها نمی شوند. یک روز هزاران نفر مسلح در کردستان و سایر مناطق به مقابله با تهاجم رژیم فرا خوانده میشوند، روز دیگر دستور خلع سلاح می رسد. نه آن دستور مقابله مسلحانه بر یک استراتژی و نقشه معین استوار است و نه این عقب نشینی و خلع سلاح. با سازمانهایی که خود را پیشروی طبقه کارگر می دانند و برای سوسیالیسم مبارزه می کنند، اما استراتژی آنها «مبارزه

بویژه در شرایط خفقان، تلاش میکنند تا به استراتژی جنبش کارگری که معطوف به پیروزی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه بر اقلیت استثمارگر و ستمگر است، خصلت و محتوایی دوگانه بخشند. شرایط حفظ و تداوم این دوگانگی که خود مانع از تدوین یک برنامه و استراتژی مبتنی بر واقعیات متکی بر اهداف و خواسته های طبقات اجتماعی و نقشه و تاکتیک های متناظر با آن می گردد، مبارزه را در برابر اتفاقات روزمره، تحولات مقطعی و شعارها و اقدامات عوامفریبانه طبقات ارتجاعی آسیب پذیر کرده و حزب پیشرو را به گیجی و سردرگمی و یا انحراف و شکست دچار میسازد. در این رابطه روزهای انقلابی در ایران نمونه های زیادی بدست می دهند. نظیر بحرانی شدن حزب کمونیست ایران و تغییر خط و مشی و استراتژی آن در جریان روی کار آمدن رضاخان و اعلام برنامه عوامفریبانه سید ضیاء الدین، چرخش حزب توده در جریان روی کار آمدن قوام السلطنه و برنامه اصلاحات عوامفریبانه اش، مقطع اصلاحات ارضی در اوایل دهه ۴۰ و نوسانات پی آمد آن، مهمتر از همه گیج سری، سازشکاری و چرخش تمام عیار به نفع حاکمیت ارتجاع مذهبی اغلب سازمان های چپ، و بزرگترین آن سازمان فدایی «اکثریت» و حزب توده در جریان قیام تاریخی بهمن ماه ۵۷ که به روی کار آمدن جمهوری ارتجاعی اسلامی انجامید. مثل زمانیکه خمینی شعارهای مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه «استقلال، آزادی و مبارزه با آمریکا» را بدست گرفت و احزاب و سازمان هایی را که فاقد استقلال طبقاتی، استراتژی و آلترناتیو مستقل و... بودند قلع و قمع نموده و به دنباله روی سفارت گیری خط امامی ها و بسیج پدید آورد و با مباحث کش دار و بیهوده و مواضع سازشکارانه و ارتجاعی که با وعده های اصلاح طلبانه رفسنجانی به بازار آمد و یا توهم پراکنی و

موارد تضمین شده در قانون اساسی جمهوری فدراتیو شورایی ایران در زمینه رفاه عمومی

ممنوعیت کار اطفال کمتر از ۱۸ سال .
 برقراری بیمه های اجتماعی برای کلیه شهروندان .
 پرداخت حقوق و دستمزد ایام تعطیلات و مرخصی .
 مبارزه جهت تحقق خواسته های آموزگاران، استادان، دانشمندان، هنرمندان و نویسندگان .
 پرداخت هزینه متوسط زندگی و تحصیل برای فرزندان اضافه بر دو نفر تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی .
 حمایت قانونی از اطفال بی سرپرست .
 بر خورداری کودکان از تغذیه و خدمات بهداشتی رایگان .
 حق استفاده از مهد کودک و شیرخوارگاه برای نگهداری از کودکان در ساعات اشتغال .
 تامین وسایل ورزش ، تفریح و محل بازی برای کودکان و نوجوانان .
 مبارزه برای تعدیل اجاره مسکن و پرداخت مابه التفاوت در آمد و هزینه واقعی مسکن برای افراد کم در آمد .
 مبارزه برای تهیه مسکن مناسب برای همه و تامین نیازهای اولیه زندگی از قبیل آب آشامیدنی ، برق ، خوراک و پوشاک .
 مبارزه برای دسترسی به نیازهای اولیه اجتماعی از قبیل خدمات بهداشتی و درمانی، مراکز آموزشی و ایاب و ذهاب برای تمام ساکنین کشور .
 مبارزه برای تامین کار برای کلیه افرادی که توانایی کار دارند و ایجاد امکان بالا بردن کیفیت کار و رشد و پیشرفت افراد در مشاغل مورد علاقه شان .
 مبارزه با آلودگی محیط زیست و تلاش برای ایجاد محیط زیست انسانی، سالم و ارضا کننده و تامین امکان دخالت افراد بر تصمیماتی که بر شکل زندگی آنها تأثیر می گذارد.

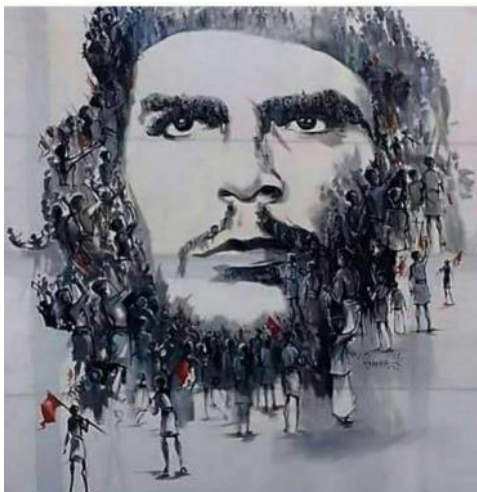
و عزیمت به خارج این فقدان نقشه و برنامه تأثیرات خود را بر جای می گذارد. عقب نشینی و مهاجرت در برخی موارد و در نزد برخی از احزاب بقدری شتابزده، بی برنامه و بی چشم انداز است که از مهاجرت گروه های قحطی زده و آوارگان جنگ های قومی و قبیله ای قابل تمیز نیستند.

در خارج از کشور مدتها با این تصور که عنقریب پیروزی حاصل خواهد شد، به تبعات یک انتظار ذهنی و بی مورد تن در داده شد. با وجود سالیان متمادی اقامت در خارج علیرغم اینکه هر گروهی مدعی مبارزه ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آلترناتیو مورد نظر خود است، اما هیچ برنامه معینی برای مداخله انقلابی در مبارزه طبقاتی در داخل تهیه نشده که مبتنی بر واقعیات بوده و بالاخره بعد از مدتی معین حضور حزب و سازمان مزبور در این مبارزه را تأمین نماید.

آنچه که هست دنباله روی از سر حوادث در خارج کشور و مباحثه کشار در مورد مسایلی است که دهها سال در محافل خارج از کشور میان روشنفکران جدا از طبقه و توده جریان دارد و به جایی نرسیده است.

این ادعا احتیاجی به اثبات ندارد. نیم نگاهی به اسناد جنبش کمونیستی و کارگری ایران طی دو سه دهه اخیر نشان می دهد که مروجین «شکوفایی جمهوری اسلامی» مبلغین سازش طبقاتی، آلوده کنندگان ذهنیت طبقه کارگر نسبت به هدف سوسیالیسم، مانع ترشان در جهت تلفیق سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری ایران، همه و همه از این آشخور نوشیده اند. بدلیل خاستگاه طبقاتی و نداشتن پیوند با جنبش کارگری با وجود سپری شدن دهها سال اط سلطه نظام سرمایه داری و در قرن بیست و یکم، هنوز قادر نشده اند به یک برش قطعی از این مقولات دست یابند.

عمو اوغلی



یک جوان کمونیست چگونه باید باشد؟

بخشی از سخنان ارنستو چه گوارا در دومین سالگرد نشست سازمان جوانان کمونیست در

کوبا که به تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۶۲ ایراد شده است

منتشر شده در روزنامه گرانما به تاریخ ۵ آوریل ۲۰۲۱ در هاوانا

ترجمه از اسپانیایی به فارسی از کمیته

روابط بین المللی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

چاره ای بیابیم که چگونه می توانیم شرایط موجود و شرایط جلوی خود را تغییر دهیم، و چگونه میتوانیم این شرایط را بهتر کنیم.

یک جوان کمونیست بایستی همیشه در تلاش بی وقفه باشد، که در همه شئون و فعالیتها، نفر اول باشد، اولین نفری باشد که مبارزه میکند، در تلاش باشد که در طی راه مبارزه، رفقای همسنگر دیگری را در صف اول، در کنار خود ببینند. طبیعی ست که هر کسی نمیتواند اولین نفر باشد، اما او میتواند جزو گروه اولین نفرها باشد. یک جوان کمونیست بایستی یک فرد نمونه، زنده و با روحیه باشد، همانند آینه ای باشد، طوری که تمامی همزمانی که متعلق به جوانان کمونیست نیستند و سالمندان زن و مردی را که به شکلی شادی و شغف فوق العاده جوانی را از دست داده اند و یا علاقه به زندگی را در خود نمی بینند اما همچنان توانایی عکس العمل به هر حرکت جدید، هر حرکت جالب و مهمی را بخوبی دارا هستند و همیشه با مثالها و حرکات تحرک آمیز آمادگی حرکت از خود را نشان می دهند، آینه ای برای آنها باشد و به آنها یاری رساند. اینها وظایفی ست که جوانان کمونیست بایستی بعهده داشته باشند.

تکمیل این موضوعات، داشتن روحیه از خود گذشتگی و فداکاری ست، روحیه فداکاری نه بعنوان یک قهرمان، بلکه برای هر لحظه و هر زمان. فداکاری برای اینکه همزمان و همراهان خود را در کمک به وظایف یاری رساند، برای اینکه آنها بتوانند وظایف خود را به انجام رسانند، برای اینکه آنها بتوانند وظایف خود را در مدرسه و

کمونیست بودن او یک سمبل افتخارآمیز برای وی است.

بهمین خاطر است که در مقابل انسان های جامعه مان و تمامی انسان های دنیا احساس وظیفه بزرگی را برای رسیدن به جامعه ای که می خواهیم بسازیم بر دوش داریم.

این مواردی ست که شخصیت جوانان کمونیست را نشان میدهد. همراه این مسئله چیزی که بسیار اهمیت دارد، حساسیت در مقابل نابرابری ست، حساسیتی که در تضاد با شرایط حاکم، در تضاد با شرایط عقب مانده ای که حکمفرماست، می باشد، زمانی که چیزی غلط و اشتباه است بایستی به آن برخورد کرد بدون اینکه فکر کرد که از طرف چه کسی این اشتباه رخ داده و یا گفته شده است. یک جوان کمونیست بایستی هر چیزی را که متوجه نشده و درک نکرده است تجزیه و تحلیل کند و مروری بر آن داشته باشد، به بحث بگذارد و تقاضای توضیح هر مسئله ای را که نامفهوم است را درخواست کند، بر علیه رسم و رسوم، هر نوع و هر شکل فورمالیسم و معمولی قلمدادن قضایا و فرمالیته کردن مباحث و حوادث مبارزه کند. همیشه برای اینکه تجربیات جدیدی را بدست آورد، گوش شنوا داشته باشد و سدی را در مقابل خود قرار ندهد تا تجربیات بزرگی را که بشریت که سالهاست در جهت تحقق سوسیالیسم بدست آورده است بتواند بخوبی انتقال داد و این تجربیات گرانها را با مطابقت و شرایط ویژه کشور ما، با واقعیاتی که در کوبا وجود دارد، بتوانیم انتقال دهیم و به اجرا درآوریم و فکر و اندیشه کنیم - همه و هر کدام از ما -

” اتحادیه جوانان کمونیست ” را بایستی با یک کلمه تعریف کرد: آوانگارد. شما، رفقا بایستی آوانگارد تمامی حرکت ها باشید. بایستی اولین کسانی باشید که از خود فداکاری نشان می دهد، فداکاری که برای انقلاب ضروری است. چه نوع فداکاری؟ فرقی ندارد، بایستی در تمامی عرصه ها فداکاری کرد. اولین کسی باشید که همیشه در صف اول کار و ردیف اول برای انجام وظیفه قرار دارید. اولین کسی باشید که در صف اول برای تحصیل کردن آماده است. اولین نفری باشید که در رده اول برای دفاع از انقلاب قرار دارد.

هر جوان کمونیست بایستی در وجود و ذاتش در مرحله اول یک انسان تمام بمعنا باشد، یک انسانی که بالاترین حد انسانیت را در خود نهفته است، بهترین خصائل انسانیت را از طریق کار، تحصیل، از طریق همبستگی بی وقفه با خلق خود و با تمامی خلق ها در دنیا از خود نشان دهد.

به نظر من اولین چیزی که شخصیت یک جوان کمونیست را می سازد، عزت و افتخار است، افتخاری که لمس میکند که یک جوان کمونیست است. افتخاری که وی را به آنجا می رساند که در مقابل دنیا نشان دهد که او یک جوان کمونیست است و کمونیست بودنش را در مقابل دیگران پنهان نکند. این درک را هم بدست آورد که کمونیست بودن وی تنها به یک رسم و نام معمولی خاتمه نمی یابد، بلکه در هر لحظه ای با توجه به علاقه ای که در وی وجود دارد، در روحیه و ذات خود این توانایی را داشته باشد، کمونیست بودن را از خود نشان دهد، چرا که



با جهان و محیط دور و بر ما. پاسخ بخواهیم و انگیزه سوال کردن داشته باشیم و چراها را در هر مورد و هر موضوعی خوب بشناسیم و جوابهای آنرا بدست آوریم و مشکلات عظیم بشریت را همیشه جزو مشکلات خود قلمداد دهیم.

به این شکل و از این راه، ما در مقطع زمان خاصی، در یک روز در طی سالهای آینده، بعد از اینکه قربانی زیادی دادیم، بله، بعد از اینکه شاید ما بارها در مقابل ویرانی قرار گرفتیم - ، بعد از اینکه شاید کارخانه هایمان را ویران کردند، دوباره از نو آباد کنیم، بعد از اینکه قتل و کشتن خیلی از ما را مسبب بودند و شاهد آن بودیم و تمامی ویرانی ها را بازسازی کردیم، در پایان این همه ویرانیها، یک روز بدون اینکه حتی متوجه شوند، ما همراه دیگر خلقهای جهان جامعه کمونیستی را، جامعه ایده آل مان را بوجود خواهیم آورد.

بخشی از سخنان ارنستو چه گوارا در دومین سالگرد نشست سازمان جوانان کمونیست در کوبا که به تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۶۲ ایراد شده است منتشر شده در روزنامه گرانما به تاریخ ۵ آوریل ۲۰۲۱ در هاوانا ترجمه از اسپانیایی به فارسی از بخش روابط بین المللی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ماه جولای ۲۰۲۱

خلقهای قاره آمریکا، خلقهای سرکوب شده در سراسر دنیا که برای رسیدن به آزادی مبارزه میکنند، میتوانند خود را در این آینده مشاهده کنند. و ما بایستی ارزش این مثال بودن را داشته باشیم.

اینهاست، این خواسته های ماست که یک جوان کمونیست چگونه باید باشد. و اگر به ما بگویند که ما در کل رومانیتیک و احساسی هستیم، به ما بگویند که ما تصحیح نشده های ایده آلیست هستیم، به ما بگویند که ما به چیزهای غیرممکن فکر می کنیم که امکان پذیر نیست، و اگر به ما می گویند که ما می خواهیم در کل نیروی عظیم خلق را به تخلیات بکشانیم، پس بایستی نه تنها یکبار بلکه هزار بار جواب بدهیم، که خیلی خوب، آیا امکان این هست که این حق را داشته باشیم که خلق ما قدم به جلو بردارد و راه خود را به پیش ببرد، خطاهای کوچک انسانی را از نطفه خفه کند (...). و این خلق در راه رسیدن به جلو، خود را تکمیل کند، طوری که بدون هیچ تزلزل و تردیدی تمامی سنگها را درنوردد، آیا امکان این برای ما هست که تمامی مشکلات و ناهمواریهایی را که موجب عقب ماندگی ما شده اند، بتوانیم پشت سر گذاریم و با زحمت و تلاش این نابسامانیها را از پیش پای خود برچینیم و برای بر چیدن این همه آثار باقی مانده از سرعتی همچون سرعت انقلاب کوبا استفاده کنیم (...)

برای اینکه به این اهداف برسیم، بایستی هر روز کار کنیم. کار کنیم با تمام معنا در تلاش برای هر چه بهتر شدن، برای هر چه بیشتر توسعه دادن دانش و آگاهی مان، گسترش درک مان در رابطه

دانشگاه دنبال کنند، برای اینکه آنها بتوانند به شکلی و از یک طریقی خود را تکمیل و تصحیح کنند، همیشه در تمامی حول و حوش محیط خود، در برابر جامعه، توجه و حساسیت خود را نشان دهند و خود را در قبال جامعه مسئول و احساس پذیر بدانند.

این به این معنی ست که: یک جوان کمونیست وظیفه دارد در درجه اول یک انسان باشد، یک انسانی باشد که بهترین خصائل انسانی را دارا باشد، بهترین خصائل انسانی را در محیط کار، تحصیل، همبستگی متداوم و بی پایان را با خلق به اجرا درآورد، همبستگی نامحدود را با خلقهای جهان جزو وظایف خود بداند، درک و حساسیت و احساسات خود را گسترش و توسعه دهد، مورد درد و رنج قرار گیرد وقتی که در گوشه ای از دنیا یک انسانی کشته میشود و شوق و شادی را بدست آورد، وقتیکه در گوشه ای از دنیا پرچمی نو برای آزادی برافراشته میشود.

یک جوان کمونیست نمیتواند فقط خود را به یک کشور و فقط به یک نوار مرزی محدود کند: یک جوان کمونیست بایستی انترناسیونالیسم کارگری و پرولتاری را جزو دستور کار خود قرار دهد و این عملکرد را جزو وظایف خود قلمداد کند. او بایستی همچنان بخاطر داشته باشد، ما کمونیستها در کوبا در اینجا همچنان بایستی به خاطر داشته باشیم که ما، مثال عینی و واقعی در تمام قاره آمریکا هستیم، همچنین در خارج از قاره آمریکا مثال عینی هستیم، برای کشورهای مختلف در دنیا، برای کشورها در قاره های دیگر که برای آزادی مبارزه میکنند، ما مثال عینی هستیم، برای کشورهایی که بر علیه استعمار، بر علیه استعمار نو، بر علیه امپریالیسم، بر علیه هر نوع شکلی از سرکوب که از طرف سیستمهای نابرابر صورت می گیرد، مبارزه میکنند، ما یک مثال زنده هستیم. بایستی همیشه این موضوع را بخاطر داشته باشیم. همچنان بایستی به یاد داشته باشیم که ما همانند یک مشعل روشن هستیم، ما همگی همانند آینه ای هستیم که هر کدام از ما تصویری از خلق کوبا را در خود نمایان دارد و ما این آینه هستیم، آینه ای که تمامی

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان فدائیان کمونیست منتشر می شود .

از طریق ایمیل آدرس زیر نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدائیان شورانی !